

لغات زبان تخصصی (۱)

part **II**

درس 9 ریح بنت اول

لغات زبان تخصصی

Agents	عامل، مأمور	stockpiled	ذخیره شده، انباشته شده
Rupture:	ترکیدن، گسیختن		
Countless:	بی شمار		
Wreck:	ایجاد کردن، آشکار کردن		
Intoxicate:	مسموم کردن، مست کردن		
Blister:	تاول		
Fatalistic attitude:	اعتقاد به جبر و تقدیر ماوراء الطبیع		
Expediently:	از روی عصبانیت، خیلینزد		
Counter measure:	اقدام متقابل		
Imperative:	الزام آور، ضروری		

Reading 2 lesson 10

fasciculation	انقباض و همبندی همزمان دست از عضلات	Baseline	خط پایه
tremor	لرزه، جنبش	identity	هویت
sore	جای زخم، دشواری، سخت، دردناک	pharmacokinetic	میزان جنبش یک دارو
orifice	روزنه		یعنی میزان سرعت یک دارو در رسیدن به بافتی مختلف بدن
nystagmus	حرکت غیرارادی کره چشم	offending	تهاجمی
myoclonus	انقباض ماهیچه ای غیرارادی و نامنظم	charcoal	ذغال چوب
vomitus	ماده مایه سبز، استفراغ!!!	irreversible	(در درس) یعنی غیر قابل درمان
packet	گروه، بسته	unlikely	غیر محتمل
drug withdrawal symptoms	علائم و نشانه های دردناک ترک یک دارو	prerequisite	لازمه، پیش نیاز
derangement	آسفت کردن	irrigation	آبیاری
ancillary = dependent	وابسته، گنگی	ventilation	تهویه
reactivity	واکنش	plasma pheresis	= a process for removing blood plasma.
bullae	حباب های بزرگ	transfusion	نقل و انتقال، تزریق خون
outcome	نتیجه، پیامد	rebound	ضربه برگشت، (در درس) افزایش دوباره
moisture	رطوبت، نم	chelation	به فلز متصل شدن و از بین رفتن خواص سمی سمی، یعنی یک سم به فلز متصل می شود و خواص سمی اش را از دست می دهد.
discordant	ناسازگار، ناموزون، متغایر	expense	خرج، هزینه
presentation	(در درس) به معنای زمانیکه در حضور می کشیم دریم تا وقتی که به Dr مراجعه می کنیم.		
Resuscitation	احیا		
determination	اراده، مقصد، عزم		

gynecology

علم بیماری های زنان

Carcinoma <sup>سرطان</sup> لایه بیرونی پوست

ureter <sup>مجرای بین کلیه و مثانه</sup>

Bladder <sup>مثانه</sup>

outlet <sup>خروجی، مجرای خروج</sup>

suspicion <sup>ظن</sup>

anuria <sup>تقصیر در ترشح ادرار</sup>

necessitate <sup>اجاب کردن، متذکر</sup>



Unit 11  
Reading One

- \* prevalence : شیوع
- \* leading : برجسته
- \* obesity : چاقی
- \* spare : درج کردن (در متن: تأثیر نداشتن)
- \* brachiate : از شاخه‌ای به شاخه دیگر تاب خوردن (مثل میمون)
- \* task : تکلیف، وظیفه
- \* pincer grip
- \* potent : قوی
- \* vulnerability : آسیب‌پذیری
- \* stimulate : تحریک کردن
- \* indeed : در واقع
- \* transplant : پیوند زدن
- \* operation : جراحی
- \* shear : شکاف زدن، بریده شدن
- \* bridge : اتصال دادن
- \* oncoming : روی آمده، جلو رونده
- \* retard : به تعویق انداختن
- \* loop : حلقه
- \* stretch : کشیده شدن
- \* in concert : در متن: همراه با هم، هماهنگ
- \* emerge : پدید آمدن، ظاهر شدن
- \* menopause : یائسگی

- \* heritability : وراثت
- \* attributable : قابل اتقاد، نسبت دادنی
- \* consequence : نتیجه، پس آمد
- \* confer : اعطا کردن
- \* diminish : کم کردن
- \* considerations : ملاحظات
- \* predisposition : استعداد، آمادگی
- \* load : بار
- \* focal : کانونی، مرکزی
- \* congenital : مادر زادی
- \* slip : لغزیدن
- \* distortion :
- \* susceptible : مستعد
- \* fracture : شکستگی
- \* collapse : تنهائی شدن
- \* irregularity : بی نظمی
- \* subsequent : متعاقب
- \* premature : نیا بالغ، نارس
- \* tear : پارگی
- \* adjacent : مجاور
- \* accelerate : تسریع کردن
- \* malalignment : ناهماهنگی

- \* fulcrum : تکیه‌گاه
- \* lever : اهرم، دسته
- \* contact : تماس، برخورد
- \* lead to = cause
- \* underlying : در زیر قرار گرفته
- \* bone marrow : مغز استخوان
- \* lesion : زخم، جراحت، آسیب
- \* substantial : قابل توجه
- \* destined : مقدر شده
- \* regardless : بی توجه

Lesson 11 / R 2

Wear and Tear = زبر و تلاش کردن / زود

accurate = واقعی

wearing out = خسته شدن

reduce = کم کردن

attempt = اقدام کردن

provision = پرونده، برنامه

leading = مهم ترین، شایسته ترین

Tend = تمایل داشتن

characterized = مشخص شدن

break down = نابود شدن

cushion = پهن کردن / زایل کردن

deterioration = بدتر شدن

inflammation = التهاب

irreversible = غیر قابل بازگشت

prescribe = تجویز کردن

proet = مناسب

frequently = اغلب، مکررات

alteration = تغییر، در کردن

underneath = زیر، تحت

stiffness = سخت شدن

Knobby swelling = برآمدگی و تورم

clacking and grinding = زرد شدن، زرد شدن

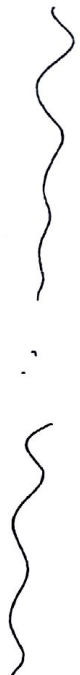
bow legs = پای کمانی

Knocked Kne = زاری

rule out = حل کردن

measures = اقدامات

provisions = اثبات سوره



7

Unit 12  
Reading 1

obstruction (re+obstruction): انسداد روده

particularly: مخصوصاً

colorectal: مقعدي روده (relating to colon and rectum)

ovarian: تخمدانی

carcinoma: سرطان بافت ایپیتلیالی پوست یا  
آستر ارگان‌های داخلی بدن

melanoma: سرطان پوست

metastasize: پخش غده سرطانی

breast: سینه

Leading to: منجر شدن - باعث شدن

peritoneal carcinomatosis:   
پخش غده سرطانی نیمه ایپیتلیالی در صفاق

peritoneal: صفاقی

predilection to: تمایل

involve: درگیر کردن (شامل شدن)

Isolated: منفرد - جدا

(this involvement may be isolated: (زنجیره قطع روده ای)  
دیگر سرطان متعلق است

resection: (جراحی) برآوردن قسم از اندام

result in: باعث می شود

prolonged survival: بقای طولانی مدت

pseudoobstruction: انسداد کاذب

infiltration: نفوذ

mesentary: میان روده - روده بند

bowel muscles: ماهیچه‌های روده

celiac plexus: شبکه عصبی شکمی

paraneoplastic: نسبه نئوپلازی  
که رشد نامعقول یک بافت

neuropathy: بیماری عصب

associated with: مربوط به - وابسته به

myenteric: شبکه عصبی سیمپلکس

و گانگلیون در بین عضلات روده باریک

Jejunum: روده میانی روده باریک

authentic: اصلی - مهم - اصیل

(authentic luminal obstruction)

← یعنی: حفره مرکزی

Circumferential invasion: حمله سیرامینی

(در قفسه: سیرامون و در روده)

arrests: متوقف کردن

peristaltic contraction: انقباض پرودی روده

onset: حمله

insidious: مخرب - خطرناک

colicky: درد شدید و موقتی نوسان دار

due to: because of  
به طبعی: ناحیه شکم

distention: تورم و انبساط

tumor mass: توده تومور



hepatomegaly: بزرگ شدن غیر عادی کبد

intermittent: متناوب

constipation: یبوست

reveal: آشکار کردن

tympany: اتساع شکمی

ascites: آب آوردن شکم

high-pitched sound: (زیر و بم) صدای زیر

erect plain abdominal film: نوع خاصی از تصویربرداری شکمی  
(برخاسته از) - مسطح - عمود

air-fluid: هوا مایه

dilation: انبساط

Acute: حاد

cecal: مربوط به روده کور

rupture: پارگی

lifelike hood: احتمال

benign: خوش خیم

malignant: بد خیم

undergone surgery: عمل تجربه شده  
↳ experienced

... is suggested by ... است: ...

prior: قبلی

adenopathy: بزرگ شدن غدد لنفی

abrupt transition zone: منطقه انتقال ناگهانی

thickening: کلفت شدن

prognosis: پیش بینی (بیماری) - پیش ساخت

median survival: متوسط بهبودی

Adhesion: چسبندگی

Ileus: گرفتگی و انسداد روده

induced by: caused by: برانگیزنده از

vinca: نوع گیاه

narcotic: آرنج (خفت)

reversible: برگشت پذیر

extent: گسترده

underlying: نهفته

status: وضع

evaluation: ارزش نمری

complication: عوارض جانبی

self expanding metal stent (SEMS): وسیله آبریز باز نگه داشتن لوله کولر

outlet: منفذ خارجی

palliate: تسکین دادن

conservative: محافظه کارانه

nasogastric decompression: فشار زبانی بینی-شکمی

percutaneous: زیر پوستی

gastrostomy: برش معده (جراحی)

nausea: حالت تهوع

so-called: به اصطلاح

vent: بدون راه - درز

antiemetic: (دارو) ضد تهوع

antispasmodic: (دارو) ضد اسپاسم

analgesic: مسکن - (دارو) ضد درد - درد کش

octreotide: نوعی هورمون

inhibitory: مهارتی

occur: رخ دادن



Unit 13 - Reading 1

comorbid	عزاد با بیماری دیگر	discuss	گفتگو و بحث کردن / مطرح کردن
substance	alcoholic drinks / (اینها) / <u>دارو ها یا مواد مخدر</u> / drugs	collaboratively	همکاری / هم دستی
revise	تجدید نظر کردن	appropriate	مناسب / suitable
brilliant	زیرکانه / زیرک	encounter	روا رو / face
unmedicate	medicate: <u>درمان کردن</u> / <u>مدار کردن</u> / <u>درمان کردن</u>	psychotic	بیمار روانی / دیوانه
swing	چرخیدن / تاب خوردن	mania	عشوق / دردی / اشتیاق
statistical	(آمار: statistic) / آمار	post traumatic	بعد از ضربه روحی / رویداد پس از آسیب
manual	دستورالعمل / راهنما	homicidal	کشی و آدم کشی
synopsis	خلاصه و مختصر	preoccupation	اشغال / اشغال قلبی / نگرانی / نگرانی
multi axial	چند محوری	unease	نا راحتی / نرسیدن حالی
axis	محور	dread	ترسیدن (از) / ترس
underlying	عمیق / پنهان	foreboding	پیش و نامیدگ از آینده
overall	total / شامل همه چیز	component	قسمت / بخش
underscore	under estimate: <u>در نظر گرفتن</u> / <u>زیاده تر</u> / <u>زیاده تر</u>	precipitants	حادثه های / محرک های
assume	emphasis on sth / <u>تاکید</u> / <u>تاکید</u> / <u>تاکید</u>	antedate	پیش بینی کردن / حدس زدن
prompt	take / <u>انجام</u> / <u>انجام</u> / <u>انجام</u>	postdate	تاریخ ماقبل / عقب نهادن (؟)
validate	quick / <u>سریع</u> (کردن)	panic	وحشت و اضطراب
inventory	تقدیر / معتبر شدن	distinct	متمایز
somato form	فصل / فهرست اموال	Intense	شدید و خیلی زیاد
misconception	a disorder with no known cause	discomfort	رنج و ناراحتی
stigma	(Conception: <u>درک</u> ) / <u>تصور</u>	palpitation	لرزش زدن
impede	لنگ / <u>بمبند</u>	sweating	عرق کردن
referral	inhibit / <u>بناش</u> / <u>مانع</u> / <u>بناش</u>	trembling	(مروزشدن / لرزش) / tremble: <u>لرزش</u> / <u>لرزش</u>
complaint	مرامع / <u>جمع</u> / <u>امر</u>		
	دادخواستی و شکایت		

dizziness	سرگیجه	housebound	(بند / محدود) / محدود / خانه نشین
impending	تهدیدآمیز / منتهی / متوقع	Pursue	تکلیف / پیگیری / پیوسته
doom	هلاکت	endure	تحمل کردن / tolerate
discrete	تجزیه	Companion	همراه
abruptly	تندی / ناگهانی	obsession	وسوسه
pounding	کوبیدن	questionnaire	پرسشنامه
Accelerate	تسریع	Peak	حداکثر
Sensation	احساس	nausea	حالت تهوع / استفراغ
Smothering	خنک کردن	distress	تجربا / درد
choking	خفگی	chill	سردی
light headed	منگی / گیجی / سرنگونی	irrational	نامعقول
faint	غش	predispose	معدول / قابل
derealization	احساس دوری / دوری / دوری	obsessive-compulsive disorder	احتمال / وسوسه / تکرار
detached	جدا		
Pares thesias	تشنج / تشنج / تشنج / تشنج		
numbness	بی حسی		
tingling	حس زدن / خارش		
flush	سرخ زدن		
criteria	معیار / معیار / معیار / معیار (criticism: معیار / معیار)		
cluster	جمع کردن / دسته بندی		
adolescence	نوجوانی / نوجوانی / بلوغ		
anticipatory	در حال انتظار		
Agoraphobia	ترس از مکان / بلوغ		
recur	تکرار / تکرار / تکرار / تکرار		
literal	تفسیر واقعی / لغوی		

موضوع: معنی اور اس کی تالیف / ترجمہ جملہ: تاریخ:

differential	تفریق	predisposition	پیشینہ
panic	پنیک	concordant	متوافق
rule out	خارج کرنا	aggregation	تجمع
chief	مؤید	loci	مکان
complaint	شکایت	locus	مکان
exclusion	استثناء	seuptake	پانچ
anxiety	اضطراب	coruleus	
comorbidity	معاہدگی	intensity	شدت
criteria	معیار	hypothesize	فرض کرنا
irritable	عصبی	arousal	پیدا ہونا
valve	دریچہ	depressant	دماغ پر اثر کرنے والا
self medication	خود دوا	cognitive	ادراکی
evaluation	تجزیہ	approval	تائید
etiology	سبب	interpretate	تفسیر کرنا
bowel	مخ	insomnia	بے خوابی
prolapse	پھسلنا	trigger	سبب
atrial	قلبی	cornerstone	اساسی بنیاد
depression	درد	intervention	تدخل
psychiatric	قلبی	alter	تغییر کرنا
complicated by	میں سے	raphe	مخ کی ایک جگہ





## Unit 14 (reading 1)

millennium : هزاره  
announcement : خبر، اعلان  
sequenced : تعیین توالی  
milestone : مرحله مهم  
precede : قبل، مقدم بودن، اسبق بودن  
conceptual : ادراکی، تصویری  
elucidation : توضیح، روشن سازی  
restriction enzymes : آنزیم‌ها محدودکننده  
wealth : ثروت، سرمایه، دارایی  
profound : عمیق  
enhance : بالا بردن، افزودن  
etiology : علت، سبب  
invaluable : برهنا، فوق العاده گرانبها  
feasibility : امکان داشتن، شدن بودن  
accuracy : دقت، صحت  
avenue : راه، (ضیابان)  
culture : کشت میکروب در آزمایشگاه  
recombinant DNA : DNA نوترکیب  
targeted modifications : تغییرات هدفمند  
modification : اصلاح، تغییر، برایش  
practitioner : متخصص  
analogues : آنالوگ، شباهت، نظیر  
kinetics : سینتیک  
traditionally : به طور سنتی  
pediatric : کودکان  
apparent : آشکار، معلوم  
virtually : تقریباً  
evident : آشکار، مشهور، بدیهی  
mellitus : دیابت

contribution : همکاری، کمک، سهم  
loci : جایگاه، مکان  
novel : جدید، بدیع، نو  
insight : بینش، فهم، بصیرت  
facilitate : تسهیل کردن، کمک کردن  
catalogue : کتابخانه، فهرست نامه  
hereditary : ارثی  
predisposition : استعداد امیل  
impose : تحمیل کردن  
long standing : طولانی مدت  
unmasked : چیزی را آشکار کردن  
startling : شگفت انگیز  
dramatically : به طور چشمگیر  
incipient : نخستین، اولیه، بدوی  
clote : لخته شدن  
clarify : روشن کردن، توضیح دادن  
opaque : مبهم، غیر شفاف  
disruption : قطع، شکستن  
folding : تا شدن، پیچیدن  
converge : همگرا (بودن)  
appetite : اشتها  
phenomenon : پدیده  
emerging : پدیدار شدن، بیرون آمدن  
distinct : متمایز، متفاوت  
tangles : درهم برهم کردن، درهم پیچیدن  
dwarfed : آدم کوچکتر  
unravel : حل کردن  
astounding : بهت کننده  
terminology : کلمات فنی  
evolve : بیرون دادن، تکامل یابند  
reside : اقامت، ساکن  
database : بانک اطلاعات  
compendium : خلاصه، کوتاهی  
refinement : پالایش، تصفیه  
daunting : دلهره آور  
onslaught : شورش، حمله

## Unit 14 - Reading 2

~~Account for~~

Account for → شامل می‌شوند

Repetitive → پرتکرار

Poorly → به طور محدود

Serve role → نقش ایفا کردن : Serve a structural role

Structural ~~role~~ → ساختار

Packaging → بسته بندی کردن، جا دادن

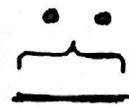
Bound to → متصل به

Express → (ژن) بیان کردن

About → به اطراف، حول

Broad → وسیع

Extraordinary → به طور غیر معمولی



ME!

Consequence → نتیجہ ، ماحصل

Large-scale → وسیع

Reconstitute → بازسازی کرنا

Complement → مکمل

Replicate → کاپی کرنا

Constellation → مجموعہ

Segregate → جدا سازی کرنا

Comprehensive → جامع

Encode → لکھنا ، لکھنا

Feasible → ممکن

Substantially → بطور چشم گیری

Characterization → توصیف ، شرح خصوصیات

Transcription → رونویسی کرنا

High-throughput → پر بازده

Exert → عمل کرنا ، اجرا کرنا

Sequence → توالی یا بن

Reveal → آشکار کرنا

Confer → اعطا کرنا

Alteration → دگرگونی

Underestimate → کم برآورد کرنا

Modular networks → شبکہ ہاں چند بخش (شبکہ ہاں پیسانہ این)

Spliced → متصل

Linear pathways → مسیر ہاں خطی

Post translation modifications → اصلاحات بعد از ترجمہ



word	meaning
dietary	مربوط به رژیم غذایی
assessment	ارزشیابی، سنجش
Paragraph 1	
supply	منبع (n.)، تأمین کردن (v.)
determine	تعیین کردن
experimentally	به طور تجربی؛ آزمایشی
organic	آلی
inorganic	غیر آلی، معدنی
trace mineral	مواد معدنی کم مقدار (کم نیاز)
soluble	محلول، حل شدنی
fertilizer	کود
cereal	غله، حبوبات
livestock	احشام، چارپایان اهلی
Paragraph 2	
conditionally	مشروط
defect	نقص، عیب
implication	دلاله، مستلزم بودن، مفهوم
lead (n.) /led/	سرب
pesticide	ماده ضد آفت، کشنده حشره موذی
residue	باقی مانده، پسماند
toxic	سمی
Paragraph 3	
component	جزء، مؤلفه
expenditure	مصرف، صرف
cost	هزینه، بها، ارزش
thermic	گرمایی، حرارتی
shiver	لرزیدن (از سرما)
assess	تعیین کردن
calculate	حساب کردن، برآورد کردن
adjust	مطابق کردن، تعدیل/تنظیم کردن
multiply (by)	ضرب کردن
sedentary	نشسته، بی تحرک
figure	رقم، عدد/ شکل

word	meaning
Paragraph 4	
consist (of)	مرکب بودن، شامل بودن (از)
inadequate	غیر کافی، ناپسندیده
ingest	قورت دادن
divert	منحرف کردن
deprivation	فقدان، محرومیت
malnutrition	سوء تغذیه، تغذیه ناقص
ensue	به دنبال آمدن، follow
Paragraph 5	
allowance	جیره، مقرری
desirable	مطلوب
assume	فرض / وانمود کردن - تقلید کردن
meet	برآورده شدن (در این جا)
relatively	نسبتاً، به طور نسبی
current	رایج، شایع
call (for)	بیان کردن (در متن)
legume	بنشن، سبزی، بقولات
wheat	گندم
complement	کامل کردن
Paragraph 6	
lactation	شیردهی
rehabilitation	توان بخشی، نوتوانی، بازسازی
tolerance	تحمل، تاب
uremia	اورمی؛ ازدیاد اوره در خون
precipitate	تسریع کردن
encephalopathy	هر بیماری مغزی غیرروانی
Paragraph 7	
constitute	تشکیل دادن
total (v.)	to reach a particular total
saturated	اشباع شده
comprise	در برداشتن، شامل بودن
exogenous	اگزوژن، از منبع خارجی
adaption	تطبیق، سازش

## Unit 15 - Part 2

expenditure	صرف
feces	مدفوع
evaporation	تبخیر
exhalation	بازدم
excrete	دفع کردن
compromise	بدرکردن، تصنیف
thirst	تشنج
lactation	سیردهی
blunt	کند
diuretic	ادرار آور
adverse	مخالف، مضر
confer	اعطا کردن
benchmark	معیار، محک
tolerable	قابل تحمل، متوسط
criteria	ملاک، معیار
priority	اولویت

pregnant	خانم باردار
heart burn	سوزش معده
hiatal hernia	فتق حجاب حاجز
relieve	خاموش کردن آزار
medication	تجویز دارو
flow up	برگشت به بالا
brought up	
neutralizing	خنثی کردن
exertion	تفاد و معالجه اعمال زور
twisted	
cut off	بریدن، جدا کردن، قطع کردن
peppermint	صناع بیابانی، نعنع صناع
bitter	
mistaken	اشباه کرده، اشتباهی

/



# Lesson 16 Reading 2

Heartburn	سوزش سردل، سوزش معده
reflux	برگشت پس زدن
lining	پوشش داخلی، آستر
beverage	نوشیدنی
LES	lower esophageal sphincter اسفنگتر پایین مری
peppermint	نعناع
Citrus	مرکبات
portion	قسم، پُرس (غذا)
wedge	سطح شیب دار
prop up	سرتاپه گذاشتن
Over-the-Counter	nonprescription (داروهای بدون نسخه)
neutralize	خنثی کردن
antacid	داروی ضد ترش معده، ضد اسید معده
temporary	موقت
foaming	کف کثیف
foam	غوم، کف
GI	Gastro intestinal دستگاه گوارش
peptic ulcer	زخم معده
irritation	سوزش
manometric	اندازه گیری
impedance	مقاومت ظاهری مقاومت مؤثر
ccxthe	!؟